

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

شاعر آینه‌ها

بررسی سبک هندی و شعر بیدل



فهرست

۹	دربارۀ این مجموعه
۱۵	بیدل دهلوی
۲۹	نقد بیدل
۳۷	سبک‌شناسی شعر بیدل
۷۳	مصراع: دریچۀ آشنایی با بیدل
۸۱	بیدل و بیدل‌گرایان
۹۳	حافظ و بیدل، در محیط ادبی ماوراءالنهر در قرن نوزدهم
۱۱۵	غزلها
۳۰۳	رباعی‌ها
۳۲۱	فرهنگِ تداعی‌ها (خوشه‌های خیال یا شبکه‌تصویرها)

دربارهٔ این مجموعه

همزبانان ما در خارج از مرزهای کنونی ایران، و همهٔ کسانی که فرهنگ و سنت ادبی آنان با سنت شعر فارسی مرتبط است، بیدل را در کنار حافظ و در مواردی بیشتر از حافظ می‌پسندند و از شگفتیها این که در ایران، حتی تحصیلکردگان رشتهٔ ادبیات، حتی اکثریت دارندگان درجهٔ دکتری ادبیات، و بسیاری از شیفتگان جدی شعر، اورانمی‌شناسند، حتی بسیاری از آنان نام او را نشنیده‌اند. شاید چنین امری در مورد هیچ شاعری، در تاریخ ادبیات هیچ ملتی دیده نشده باشد.

تفصیل این امر و کوشش برای ایجاد آشنائی میان خوانندگان امروز ایران و شعر بیدل، در فصول آیندهٔ این مقدمه، تا حدودی که از مجال و فرصت‌های نگارنده ساخته است، خواهد آمد. درین یادداشت، غرض، یادآوری چند نکتهٔ اساسی است:

بی‌گمان همهٔ دوستداران شعر، آمادگی کامل برای التذاذ از شعر او را ندارند. یا بهتر است بگوییم: بیدل کشوری است که بدست آوردن ویزی مسافرت بدان، باسانی حاصل نمی‌شود و به هرکس هرکس اجازهٔ ورود نمی‌دهد ولی اگر کسی این ویزا را گرفت تقاضای اقامت دائم خواهد کرد.

شاید به این حساب او در میان بزرگان ادب ما، دیر آشناترین چهره شعر فارسی باشد. پس به آنها — که شعر را با همان عجله ای می خوانند که روزنامه یا ژمان بینوایان یا هزار و یک شب را — توصیه می کنم که بیهوده وقت عزیز خود را درین راه صرف نکنند. شعر بیدل معماری جدیدی است، با هندسه ای ویژه خویش. التذاذ از آن باید از رهگذر مقداری حوصله و اندکی آشنائی با رمزها و کلیدهای خاص شعر او باشد. فرهنگ از بعضی مضامین شعرا، برای آغازگران این راه، فراهم آمده است که در پایان خواهد آمد.

التذاذ از شعر بیدل، مانند التذاذ از هر شعر «نوآیینی» نیاز به مقدماتی دارد که مجموعه آن مقدمات را می توان «سنت ادبی» پیرامون آن شعر نامید. شعر مُدِرِنِ فارسی (مثلاً شعر نیما یا سهراب سپهری یا فروغ و حتی شاملو و اخوان نیز با همه ریشه ای که این دو تن در سنت های زبان قدما دارند، یکی در نثر قدما و دیگری در شعرشان) اگر برای کسی که از مجموعه تحولات فرهنگی این صد سال بی خبر باشد، خوانده شود، بجای التذاذ از آن بی گمان خواهد خندید و حق با اوست و این خنده، خنده استهزاء و کینه ورزی و از سیر انتقام و تشفی و حسادت به قبول شعر اینان نیست، خنده ای است بحق و بجا. التذاذ از شعر هر شاعر صاحب سبکی، علاوه بر معارف ادبی عمومی، تا حدی هم نیازمند شناخت «سنت ادبی» بی است که وی در درون آن پرورش یافته است. شعر بیدل اوج یکی از سنت های کمتر شناخته شده شعر فارسی است، سنتی که استمرار آن در ایران از اوایل عصر زنده و قاجاریه تقریباً قطع شده است ولی در خارج از ایران (یعنی در شبه قاره هند، ماوراءالنهر و افغانستان) ادامه یافته است. به همین دلیل چنانکه در مباحث آینده خواهید دید، در آن اقالیم او را در کنار حافظ و در مواردی بیشتر از حافظ می خوانند و می پسندند. ما، برای التذاذ از آثار ادبی متنوع پراکنده در میراث نیاکانمان باید به جوانان کلیدهایی بدهیم که بتوانند در یک دوره معین، و حتی در یک زمان، در کنار هم، از همه آثار آن بزرگان لذت ببرند و از مجموعه خلاقیت های ادبی آنان، برای رشد استعداد و گسترش تجارب ذوقی و هنری خویش بهره مند

شوند، وگرنه شعر و ادب و هنر ما به همان انحطاطی دچار خواهد شد که در دورانهای رکود و تقلید دیده ایم.

بی گمان برای کسی که با سعدی خوگر شده باشد، اگر ناگهان وارد قلمرو شعری صائب تبریزی یا بیدل یا نیما شود، از شعر آنان سر خورده خواهد شد و اگر کسی با قلمرو منوچهری و فرخی ذهنش عادت کرده باشد، از نظامی و خاقانی این دو قله بلند شعر فارسی، کمتر می تواند لذت ببرد. شعر این بزرگان، همه، در صورتی قابل التذاذ است که ما کلیدهای لازم، برای وارد شدن به مدخل «سنت ادبی» عصر و یا اسلوب آنان را داشته باشیم. حتی شاعران بسیار دور افتاده ای که ما امروز نامشان را جز در کتب تذکره و جنگ ها، نمی خوانیم، گاه، به علت همین سلطه خاص سنت های ادبی عصر، مجال را — اگر چه برای مدتی کوتاه، و آنهم برای عامه خوانندگان و نه صاحبان ذوقهای ورزیده و متعالی — بر بزرگانی از نوع فردوسی و ناصر خسرو و سعدی تنگ کرده اند. اگر به جنگ ها و تذکره های قرن نهم نگاه کنید و از نفوذ شگفت آور شاعری همچون کاتبی نیشابوری (متوفی حدود ۸۳۸) که همه گویندگان تمام کوشش خود را صرف تقلید و تتبع راه و رسم او می کنند، آگاه شوید متوجه خواهید شد که کاتبی نیز نمونه اعلا یکی نوع سنت از مجموعه سنت های ادبی شعر فارسی است و اگر شما کلید وارد شدن به مدخل آن سنت را بدست آورید خواهید دید که از او نیز می توان چیزی آموخت.

شاعر حاضر در زمانه و ناقد راهگشا و حتی خواننده جدی شعر، کسی است که با مجموعه سنت های ادبی فرهنگ خویش آشنا باشد نه آنکه اسیر یک سنت از مجموعه پهنای سنت های ادبی زبان خویش گردد و افتخارش این باشد که فلان بیتش با بعضی ابیات کلیم کاشانی یا حتی سعدی قابل اشتباه شدن است. یادش بخیر استادم فروزانفر که می گفت: «گیرم شدی سعدی، وجود مکرری خواهی بود.» بویژه امروز که علاوه بر سنت های ادبی قومی و ملی، سنت های ادبی جهانی نیز مرزها را شکسته اند.

وقتی حساب «ذوق» به میان آمد، ذوق هیچ کسی برتر از ذوق دیگری